

که پستان وی در آغاز خاستن بود دست بر سر پستان وی زدیم  
و گفتم مولای خود را بگری که فلان بر درت از درون خانه آواز  
داد که درون آبی که مادر بسا در ترا درون رفته و گفتم که من آن بوی  
ببندیشیده بودم فرمود که راستی گوئی اما اگر شکا کنی بر بوی  
این دیوار ما پیش آنها را حجابی شود چنانکه پیش بهار شما پس  
میان ما و شما چه فرق باشد زنها را که دیگر چنین گفتی **وازان جمل**  
**آنست** که دیگری گفته است که حجاب و ابیته بر باقر رضی الله عنه  
در آمد فرمود که چه پیش او بری آبی حجاب کنست که بر سر من سفیدی  
پیدا شده است که خاطر او مشغول می دارد باقر رضی الله عنه فرمود  
که آنرا بجز غای بوی نمود دست مبارک با آن فرود آورد بسیار شد  
پس فرمود که آئینه بوی دهید دادند دید که موسی سیاه شده است  
**وازان جمل آنست** که دیگری گفته است که با باقر رضی الله عنه  
در مسجد رسول بودم صلی الله علیه و سلم در آن روز که علی بن  
رضی الله عنه وفات کرده بود ناگاه داود بن سلیمان و منصور  
دو انقی در آمدند داود پیش باقر رضی الله عنه آمد و دو انقی های  
دیگر نشست باقر رضی الله عنه گفت که دو انقی چون پیش ما میاید  
داود عذری گفت فرمود که چندان دیر بر نیاید که دو انقی والی  
اخر خلق شود و ما که شرق و غرب کرد و غم خوردان یا بد و چندان  
کنز جمع کند که پیش از وی کسی نکرده باشد داود در وفات

و آنرا

و آنرا با دو انقی گفت دو انقی پیش وی آمد و گفتم مرا بیخ آمدن  
پیش تو باز نداشت مگر تعظیم و اجلال تو پس پرسید که آن چیست  
بود که داود گفتم فرمود که راستست و چنان خواهد شد دیگر  
پرسید که ملک ما پیش از ملک شما خواهد بود فرمود که آری دیگر  
پرسید که بعد از من بیخ یک از فرزندان من رسد فرمود که آری دیگر  
دیگری پرسید مدت ملک ما بیشتر باشد یا مدت ملک بنی امیه فرمود  
که مدت ملک شما درازتر باشد و هر ایند بیکرند ملک را که در کاف  
شما و با آن بازی کند چنان که با کوی کند اینست آنچه از پدر  
من بمن رسیده است چون ملک بدو انقی رسید از قول باقر  
رضی الله عنه تعجب می نمود **وازان جمل آنست** که بو بصیر که  
بهر وی کفوف بوده است گفته که روزی باقر رضی الله عنه  
گفتم که شما ذریت پیغمبرید صلی الله علیه و سلم فرمود که آری گفتم که  
پیغمبر صلی الله علیه و سلم وارث همه پیغمبر است فرمود که آری علوم  
ایشان را میراث گرفته است گفتم شما نیز میراث گرفته اید علم پیغمبر را  
صلی الله علیه و سلم گفت آری گفتم شما را قدرت آن هست که مرده را  
زنده گردانید و کور مادر زاد را و ابرص را مبرا گردانید از کوری  
و برص و هر کینه مردم را از آنچه در خانه های خودی خوردند و در مزه  
می نهند فرمود که آری باذن الله تعالی بعد از آن فرمود که پیش  
نشین پیش چشم دست مبارک را بر گردان فرود آورد چشم